

نخستین شناخت ایرانیان از تسلیحات نظامی آمریکا در دوره قاجاریه و دستاوردهای آن (با تکیه بر مطبوعات و اسناد منتشر نشده)

فرشته جهانی*

چکیده:

عرصه نظامی و تسلیحاتی یکی از موضوعاتی است که در دوره قاجاریه و بعد از شکست‌های ایران از روسیه بیش از پیش مورد توجه دولتمردان و متجددین قرار گرفت. آنها در این دوره به این نتیجه رسیدند که برای جبران عقب‌ماندگی ایران باید به پیشرفت‌های علمی و فناوری غرب دست یافت. یکی از کشورهایی که بعد از مشروطه به آن توجه ویژه‌ای شد، آمریکا بود. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، و با تکیه بر مطبوعات و اسناد منتشر نشده درصدد پاسخ به این سؤال است که ایرانیان از طریق چه ابزارها و عناصری با تسلیحات نظامی آمریکا آشنا شدند و این شناخت چه تأثیر و پیامدهایی بر عرصه نظامی ایران گذاشت؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مطبوعات آن عصر و نمایندگان سیاسی ایران در واشنگتن گزارش‌های متعددی از دستاوردها و تحولات تسلیحاتی و نظامی این کشور ارائه دادند به گونه‌ای که بسیاری از سیاستمداران و متجددین ایرانی متقاعد شدند که آمریکا را به‌عنوان الگوی مناسب برای ایران در نظر گرفته و این کشور را بر دیگر کشورهای اروپایی برای خرید تسلیحات نظامی، استخدام متخصصین و مستشاران و اعزام دانشجو برای تحصیل در عرصه نظامی ترجیح دهند. واژگان کلیدی: آمریکا، ترقی‌خواهان، تسلیحات نظامی، دیپلمات‌ها، مستشاران، مطبوعات قاجاریه، محصلان.

* دانش‌آموخته دکتری تخصصی تاریخ ایران بعد از اسلام، مدرس مدعو دانشگاه ایلام

fereshtejahani65@gmail.com

مقدمه

در دوره قاجاریه عقب‌ماندگی جامعه ایران به لحاظ تجهیزات نظامی و امکانات آموزش به‌عنوان یک مسئله اصلی خودنمایی می‌کرد. راهبرد و فنون نظامی قاجارها در جنگ سنتی و با نمونه ارتش مدرن بسیار فاصله داشت به همین دلیل نویسندگان و سیاستمداران این دوره به این نتیجه رسیدند که پیشرفت‌های علمی و فنی در جنگ و دیگر جنبه‌های زندگی سبب برتری غرب شده است؛ در حقیقت آنها به این باور بودند که قدرت و عظمت تمام دولت‌ها به قوه جنگی آنها بستگی دارد. یکی از نخستین افرادی که به‌خوبی به این موضوع پی برد، عباس میرزا بود. وی دریافت که برای اینکه بتوان ایران را قدرتمند نگه داشت ناچار باید به یک سری کارهای بنیادی اقدام کند. او به‌خوبی به این مسئله واقف بود دوره ارتش نامنظم متکی به ساختار قومی و قبیله‌ای به سر آمده است و باید کلید رهایی از این وضعیت آشفته را در اصلاحات نظامی و تشکیل یک ارتش مدرن مجهز به شیوه‌های نوین و تجهیزات پیشرفته جست‌وجو کرد.

گرچه تجربه شکست ایران از روسیه، عباس میرزا را قانع نمود که تلاش‌های جدی‌تری در امر نوسازی همه‌جانبه ارتش ایران انجام دهد و با به‌کارگیری مستشاران اروپایی در آموزش سپاه ایران تحولی ایجاد کند و جوانان ایرانی را برای کسب علوم و فنون جدید به‌ویژه در علوم نظامی به اروپا بفرستد اما یاس و ناامیدی ایرانیان از گرفتن کمک و مستشار از کشورهای همچون انگلیس، فرانسه و روسیه از یک‌طرف و بالا رفتن آگاهی قشر روشنفکر و ترقی‌خواه ایرانیان از پیشرفت‌های حیرت‌انگیز آمریکا در بسیاری از عرصه‌ها از جمله تسلیحات نظامی و همچنین به علت فاصله زیاد ایران با آمریکا و نداشتن مطامع استعماری، این کشور مورد توجه جدی روشنفکران و سیاستمداران قرار گرفت. به‌طوری‌که برخی از نمایندگان ایران در آمریکا از جمله علیقلی‌خان نبیل‌الدوله سفیر ایران در واشنگتن و احمد سهراب بانی‌انجمن تربیتی ایران و آمریکا در ۱۳۲۸ق در گزارش‌های خود به وزارت خارجه به این نکته که الگو برداری از اروپا دیگر جوابگو نیست، نوشتند: «بیشتر از هفتاد سال است که ملت ایران با دول متمدن اروپا مستقیماً رفت و آمد نموده و هر سال دسته دسته از جوانان خود را به پایتخت‌های فرانسه و آلمان و انگلیس به جهت تحصیل علوم و فنون مفیده فرستاده است ولی بدبختانه هیچ‌گونه ترقی نکرده است. در صورتی که چون قدری در پیشرفت معجزه‌آسا ملت ژاپون تعمق نمائیم درمیابیم که این کشور به دلیل ارتباط با آمریکا تا چه اندازه ترقی کرده است» (استادوخ، ۱۳۲۸ق، ک ۲۰، پوشه ۳، ب ۹-۳) بدین ترتیب

آگاهی روزافزون ایرانیان از تحولات آمریکا و اخباری مبنی بر فن آوری‌های جدید و دور از انتظار از ساخت جنگ‌افزارهایی همچون توپ، کشتی جنگی، تفنگ، و دیگر سلاح‌های نوین و از طرفی نگاه خوش‌بینانه ایرانیان به آمریکا به‌عنوان کشوری صلح‌جو که تنها برای جلوگیری از تجاوز دشمن و دفع حملات آنها این سلاح‌ها را اختراع کرده است، باعث شدند آمریکا به کانون اصلی توجه ایرانیان تبدیل شود.

شایان‌ذکر است که در تدوین پژوهش حاضر، شمار قابل‌توجهی از مطبوعات عصر قاجاریه مورد بررسی قرار گرفتند از جمله آنها می‌توان به روزنامه اختر، اطلاع، ایران، ایران نو، تربیت، ثریا، چهره‌نما، حکمت، علمی، مجلس، ناصری، وقایع اتفاقیه و مجله بهار و فرنگستان اشاره کرد. اسناد منتشر نشده آرشيوهای وزارت خارجه و آرشيو ملی نیز بخش مهم دیگر از منابع پژوهش حاضر می‌باشد که تلاش‌های نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا جهت بهره‌مندی از دستاوردهای آمریکا در عرصه تسلیحات نظامی را بازتاب می‌دهند.

همچنین بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون فعالیت علمی در راستای چگونگی شناخت ایرانیان از تسلیحات نظامی آمریکا و سازمان و ساختار آن نوشته نشده است؛ اما به‌طور کلی در خصوص شکل‌گیری ارتش مدرن در دوره قاجاریه و چالش‌های آن مقالات متعددی از جمله: «بررسی موانع شکل‌گیری ارتش مدرن در نیمه‌ی نخست حکومت قاجار» نوشته محمدرضا علم و حمزه حسینی، «موانع اصلاحات نظامی در عصر ناصری» نوشته زهرا علیزاده بیرجندی، «نظام توپخانه در دوره قاجار» نوشته رضا صحت منش، «تغییر ساختار ارتش ایران از سنتی به مدرن» نوشته محمد امیر شیخ‌نوری و... نوشته شده است.

پژوهش پیش رو به دنبال پاسخی برای این پرسش است که آگاهی و شناخت ایرانیان از توسعه و تحولات آمریکا در زمینه تسلیحات نظامی از چه طریق و چگونه حاصل شد؟ و این شناخت چه دستاوردهایی برای ایرانیان دوره قاجاریه به دنبال داشت؟ با بررسی مطبوعات و اسناد این فرضیه مطرح شد که نخست مطبوعات و بعد نمایندگان سیاسی ایران در واشنگتن مهم‌ترین نقش را در آگاهی‌بخشی به ایرانیان داشتند. این شناخت در اواخر دوره قاجاریه منجر به استفاده از دانش و توان مستشاران آمریکایی با هدف آموزش قشون و انتقال دانش و فناوری نظامی آنان به ایران شد همچنین زمینه عزیمت برخی از محصلان ایرانی به این کشور، انعقاد قرارداد و خرید تسلیحات نظامی را فراهم آورد.

نخستین آگاهی ایرانیان از دستاوردهای تسلیحاتی و نظامی آمریکا

عرصه نظامی و تسلیحاتی یکی از بااهمیت‌ترین عرصه‌هایی بود که آمریکایی‌ها اختراعاتی در آن به ظهور رساندند این اختراعات به طرز چشمگیری از دوره ناصری مورد توجه مطبوعات و دیپلمات‌های ایرانی قرار گرفت. در اینجا در نگاهی گذرا، دستاوردها و پیشرفت‌ها مهم نظامی آمریکایی و بازتاب آنها در مطبوعات ایران مورد توجه قرار می‌گیرد.

ساخت توپ‌های مدرن

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تسلیحاتی آمریکا تولید توپ‌های جدید بود که نشریات این دوره به صورت دقیق و با ارائه جزئیاتی آن را بازتاب می‌دادند برای نمونه روزنامه اختر می‌نویسد: نوعی از این توپ‌ها قادر بود در هر دقیقه ۱۸۰ تا ۲۰۰ تیر شلیک کند. وزن این توپ با عرابه و قنداق روی هم رفته ۸۰ رطل (هر رطل برابر با صد مثقال) بود. گلوله‌های آن نسبت به دیگر توپ‌ها ارزان‌تر و خرجش هم از توپ‌های دیگر کمتر و تأثیرش بیشتر بود. (اختر، ۱۲۹۶ق، ج ۲، س ۵، ش ۱۲: ۱۳۰۸، ۱۳۰۷) مسیو شنایدر^۱ مالک کارخانه معروف اسلحه‌سازی شنایدر در سال ۱۳۰۴ق در جریان سفری به اسلامبول نمونه‌ای از توپ تازه اختراع شده‌اش را با خود به آنجا آورده بود تا در صورتی که حکومت عثمانی آن را بپسندد و سفارش دهد به تولید آن اقدام کند (اختر، ۱۳۰۴ق، س ۱۳، ش ۲۲: ۳۶۴۹). حدود ۹ سال بعد، از ساخت توپی خیر داده شد که به کمک نیروی الکتریسیته در هر دقیقه ۷۰۰ الی هزار گلوله شلیک می‌کرد. گفته می‌شد به احتمال زیاد این اختراع باعث شود ارزش تسلیحاتی سلاح‌هایی که در اختیار ملل اروپا است به کلی از بین برود و برای مقابله با عوارض این «سلاح عالم‌سوز» میلیون‌ها [تومان یا دلار؟] صرف شود (ناصری، ۱۳۱۳ق، ش ۲۷: ۲۲۴). در سال ۱۳۱۸ق فردی به نام «مسیو کاردنر^۲ توپی اختراع کرد که گلوله آن به جای باروت با نیروی الکتریکی شلیک می‌شد (اطلاع، ۱۳۱۸ق، ش ۱۷: ۳). دو سال بعد در سال ۱۳۲۰ق از ساخت توپ عظیمی سخن رانده شده که از تمام توپ‌های موجود در توپخانه‌های عالم بزرگ‌تر بود و می‌توانست گلوله‌هایش را که هر کدام بیش از سه خروار وزن داشت تا پنج فرسنگ پرتاب کند (اطلاع، ۱۳۲۰ق، ش ۵۹۰: ۲).

1. Mr. Schneider

2. Mr. Cardner

اختراع توپ‌های جدید پایانی نداشت و همواره ساخت نمونه‌های پیشرفته‌تر در جریان بود و این اختراعات به‌طور کامل در نشریات این دوره بازتاب داده می‌شد. از دیگر نمونه‌های پیشرفته‌تر اختراع توپ در آمریکا توپی بود که با فشار هوا شلیک می‌شد (حکمت، ۱۳۲۲ق، ش ۸۳۸: ۱۱). همچنین در سال ۱۳۴۳ق/ ۱۹۲۴م پیشرفت در صنعت توپ‌سازی به اوج رسید و توپی ساخته شد که قادر بود گلوله‌ای به وزن یک اتومبیل بزرگ را به فاصله ۳۷ کیلومتر شلیک کند! (فرنگستان، ۱۹۲۴ق، س ۱، ش ۲: ۸۰). همان‌گونه که مشاهده شد این سلاح نظامی پیشرفته آمریکا با دقت و وسواس بسیار زیادی در ایران رصد می‌شد.

تفنگ و مترالیوز (مسلسل)

در سال ۱۲۶۸ق روزنامه وقایع اتفاقیه از اختراع تفنگ جدیدی در آمریکا خبر داد که ۲۵ گلوله شلیک می‌کرد بدون اینکه نیاز به پُر کردن داشته باشد (وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۸ق، ش ۷۱: ۴۱۱). همچنین در سال ۱۲۹۵ق در آمریکا طیانجه کوچکی ساخته شد که در یک کیف جیبی قرار داده شده بود (ایران، ۱۲۹۵ق، ش ۳۵۲: ۱۴۱۲). در آخرین سال‌های قرن نوزدهم همچنین باروتی ساخته شد که اولاً قدرتش بیشتر از باروت معمولی بود، ثانیاً اگر با این باروت هزار تیر شلیک می‌شد به‌هیچ‌وجه تفنگ گرم و بی‌استفاده نمی‌شد (ناصری، ۱۳۱۷ق، س ۶، ش ۱۹: ۱۰). علاوه بر موارد بالا در سال ۱۳۱۸ق سامونل کل‌کین^۱ نامی در آمریکا تفنگی اختراع کرد که در هر دقیقه ۷۰۰ تیر شلیک می‌کرد و گلوله‌هایش قادر بودند سه کیلومتر هدف را بزنند و مطلقاً خطا نمی‌کرد (ثریا، ۱۳۱۸ق، س ۲، ش ۳۵: ۹).

یکی دیگر از تسلیحات نظامی آمریکایی‌ها که در ایران به آن پرداخته شد مترالیوز^۲ یا مسلسل نام داشت این سلاح قادر بود که در یک دقیقه ۹۰۰ گلوله شلیک کند (اختر، ۱۳۰۹ق، س ۱۸، ش ۳۰: ۵۴۷۰). در همین سال از اختراع اسلحه جدیدی برای مقابله راهزنان روزنامه‌های آمریکا نوشته است که احتمالاً منظور از آن همین مترالیوز باشد. اختر با استناد به روزنامه‌های آمریکا نوشته است این اسلحه اگر با ماشین الکتریک قوه مغناطیسیه به کار گرفته شود در هر دقیقه هزار و ۵۰۰ تیر شلیک می‌کند که در این صورت می‌تواند لشکری را دفع و پراکنده کند (اختر، ۱۳۰۹ق، س ۱۸، ش ۳۲: ۵۴۸۸). در حقیقت یکی از مهم‌ترین اهداف نویسندگان و نوگرایان از ارائه این گزارش‌ها، ضمن آگاهی‌بخشی به ایرانیان به دنبال این

^۱. Samuel Culkin

^۲. مترالیوز واژه‌ای فرانسوی به معنی تیربار است.

بودند که زمینه ورود این سلاح‌های را به ایران فراهم کنند که ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

تحول در ساخت کشتی‌های جنگی

همان‌گونه که مشاهده گردید به دنبال مطرح شدن آمریکا همچون قطب کشتی‌سازی و کشتیرانی جهان، به‌زودی تحولات صنعت دریایی آن کشور در نوشته‌های روشنفکران و نویسندگان عصر قاجاریه انعکاس یافت.

در خصوص ویژگی‌های کشتی‌های جنگی اطلاعات اندکی وجود دارد اما با توجه به اینکه منابع این دوره به تفصیل به صنعت کشتی‌سازی به‌طور کلی پرداخته‌اند، می‌توان تا حدودی تصویری از کیفیت و کمیت این صنعت متصور شد (صحافی‌باشی تهرانی، ۱۳۵۷: ۶۳؛ ارفع‌الدوله، ۱۳۷۸: ۴۷۰). در این راستا باید اذعان داشت که سرآغاز صنعت مدرن کشتیرانی در آمریکا که منجر به پیشی گرفتن این کشور از کشورهای مطرح اروپایی مدعی این صنعت شد را باید در اختراع کشتی بخار توسط رابرت فولتون^۱ آمریکایی دانست (حکمت، ۱۳۲۷ق، ش ۹۴۱: ۶، ۷)؛ هرچند تا ارتقاء و تکمیل آن زمان زیادی باقی بود.

روزنامه وقایع‌اتفاقیه نخستین و مفصل‌ترین آگاهی‌ها در مورد ترقی صنعت دریایی آمریکا بازتاب داده است (وقایع‌اتفاقیه، ۱۲۷۰ق، ش ۱۵۶: ۹۹۵). پیشرفت‌های خیره‌کننده آمریکا در صنعت کشتی‌سازی ادامه داشت و کم‌کم کشتی‌های جنگی هم مورد توجه قرار گرفتند. در سال ۱۳۰۷ق یک کشتی جنگی بخاری ساخته شد که در هنگام جنگ می‌توانست به سرعت کشتی‌های دشمن را با گلوله‌های مملو از دینامیت گلوله‌باران کند. در این کشتی پرسرعت توپ‌های زیادی قرار داده می‌شد (اطلاع، ۱۳۰۷ق، ش ۲۴۱: ۴). چند سال بعد در نیویورک یک کشتی جنگی بسیار بزرگ ساخته شد. این «نهنگ دریا شکاف آهنین» که «اوراغون» نامیده می‌شد، ۴۴۸ قدم طول و ۶۸ قدم پهنا داشت و ۱۶ عراده توپ داشت که این توپ‌ها گلوله‌هایی را که هزار و ۱۰۰ لیتره وزن داشت تا ۲ کیلومتر پرتاب می‌کردند (اختر، ۱۳۱۱ق، س ۲۰، ۱۸: ۶۱۷۰). همان‌گونه که مشاهده شد آمریکایی‌ها در ساخت کشتی‌های جنگی به درجه‌ای از پیشرفت نائل آمده بودند که توانستند در این حوزه حتی بر انگلیس هم پیشی گیرند. مسلماً این آگاهی‌ها موجب شد که دولتمردان و سیاستمداران ایرانی، به

1. Robert Fulton

بهره‌برداری از تکنولوژی کشتی‌سازی آمریکا علاقمند شده و درصدد خرید کشتی از آن کشور برآیند (استادوخ، ۱۳۲۲ق، ک ۹، پ ۵: ۵۶).

نکته مهمی که باید به آن اشاره شود این است که در این دوره آمریکا یک قدرت استعماری نبود به همین دلیل برخلاف جایگاه برترش در ساخت کشتی‌های جنگی نسبت به کشورهای اروپایی، خود به‌عنوان یک قدرت نظامی در عرصه دریایی بسیار دیر درخشید. مرتضی‌خان ممتازالملک سفیر ایران در آمریکا در شعبان ۱۳۲۴ق در گزارشی به وزارت خارجه نوشت توانایی نظامی دریایی آمریکا که در ۲۵ سال قبل منحصر به ۳۳ فروند کشتی چوبی و چهار فروند زره پوش بسیار کوچک بود و در ردیف آخرین قدرت دریایی به شمار می‌رفت اخیراً توسعه پیدا کرده و این کشور به قدرت سوم دریایی جهان ارتقاء پیدا کرده است (استادوخ، ۱۳۲۴ق، ک ۹، پ ۷: ۲۱).

همچنین باید خاطر نشان کرد متجددین ایرانی تنها به توصیف و اطلاع‌رسانی از وجود اختراعات و فناوری‌ها دریایی آمریکا نمی‌پرداختند بلکه به مقایسه این کشور تازه کشف شده با ایران هم توجه می‌کردند برای نمونه روزنامه چهره‌نما ضمن انتقاد از عملکرد ایران به خاطر بی‌توجهی به قشون نظامی در ۱۳۲۹ق به مقایسه مخارج نیروی دریایی ایران و آمریکا پرداخته و می‌نویسد: «مقدار تجارت آمریکا در ۱۳۲۹ق، ۵۹۵ میلیون و ۹۸۶ هزار و مصارف دریایی این کشور، ۲۷ میلیون و ۸۴۸ هزار و ۱۱۱ (تومان یا دلار یا...؟) بوده است اما اگر به مصرف قوای دریایی ایران که از صاحبان دریاها می‌باشد، توجه کنیم می‌بینیم که مصروف قوای دریایی ایران هیچ بوده است» (چهره‌نما، ۱۳۳۰ق، س ۹، ش ۷: ۵). با توجه به این گزارش باید گفت، ملل متمدنه همانند آمریکا برای حفظ استقلال خود لحظه‌ای از تهیه بودجه و هزینه تسلیحات نظامی غفلت نداشتند و هر روز برای تکمیل آن هزینه‌های حیرت‌انگیزی صرف می‌کردند. این در حالی بود که در ایران به نیروی دریایی اصلاً توجه نمی‌شد. بدون شک این گزارش‌ها باعث می‌شد که نویسندگان و متجددین این دوره به‌خوبی به این امر واقف شوند که ایران بیش از هر زمان دیگری نیاز به تعلیمات و تسلیحات جنگی آمریکا دارد و باید این کشور را به‌عنوان الگوی خود قرار دهند، آنها برای متقاعد کردن مقامات دولتی ایران به ارائه جزئیات بیشتری از سیاست‌های آمریکا و رویکرد این کشور به تسلیحات نظامی می‌پرداختند.

اهداف آمریکا از گسترش تسلیحات نظامی

برخلاف دیگر عرصه‌ها که اختراعات در راستای رفاه و آسایش نوع بشر بود، کارکرد اختراعات نظامی در جهت افزایش کشتار بود. روزنامه‌های قاجاریه که همواره آمریکا را کشوری صلح‌جو معرفی کرده بودند، در توجیه صنعت تسلیحاتی آمریکا و توسعه آن مطالب زیادی نوشته‌اند. برای نمونه روزنامه اختر خاطر نشان ساخته بود که «علم و آشتی در آمریکا به سرعت رعد و برق پیش می‌رود و ملل متنوع ساکن در این کشور دست از غرض و نفاق کشیده و در پناه صلح نشسته‌اند». این روزنامه در پایان خاطر نشان می‌سازد: البته این بدان معنا نیست که آمریکاییان از تدارک اسباب جنگ و تجهیزات جنگی دست بکشند. بلکه آنها هر سال هزینه‌های زیادی برای تهیه اسباب جنگ می‌پردازند (اختر، ۱۳۱۰ق، س ۱۹، ش ۱۳: ۵۵۷۳، ۵۵۷۲). روزنامه اطلاع در اظهارنظری صریح‌تر در خصوص اختراعات نظامی می‌نویسد: کشورهای متمدن در همان حال که برای ترقی و ترویج علوم و ابداع صنایع گوناگون برای رفاه بشر تلاش می‌کنند سرگرم اختراع مهمات جنگی و تجهیز قشون می‌باشند که در حقیقت نتیجه‌ای جز نابودی بشریت ندارند؛ اما حتی برای برقراری صلح هم بایستی همیشه آماده جنگ بود (اطلاع، ۱۳۱۹ق، ش ۵۶۴: ۲).

نکته جالب توجه اینکه بسیاری از اصحاب جراید، اختراعات و تولیدات آمریکا در عرصه نظامی را صرفاً در چارچوب نیازهای دفاعی این کشور می‌دانستند و در گزارش‌های خود تأکید می‌کردند که آمریکایی‌ها به‌رغم توانایی‌هایی که در ساخت سلاح‌های مرگبار دارند، به‌طور کامل از توانایی‌های نظامی‌شان استفاده نمی‌کنند و در این راستا به ارائه مثال‌های گوناگون می‌پرداختند برای نمونه روزنامه اختر می‌نویسد: مصداق بارز این ادعا را باید در سخنان ادیسون دید:

«ادیسون مخترع معروف آمریکایی معتقد بود چنانچه کشورش مورد تهدید دشمن قرار گیرد، برای دفاع از مملکت خود به وسیله نیروی الکتریکی دستگاه‌هایی اختراع خواهد کرد که دیگر نیازی به سپاه و صف‌آرایی نباشد و قوای دشمن حتی قبل از حمله توسط پنج نفر نابود گردد زیرا پیشرفته‌ترین توپ‌های ویرانگر در برابر دو نیروی آب و الکتریسیته کاری از پیش نمی‌برند...» (اختر، ۱۳۱۳ق، س ۲۲، ش ۶: ۳۸۰). همان‌طور که مشاهده شد ادیسون استفاده از توانایی‌های خود برای ساخت سلاح‌های مرگبار را منوط به بروز تهدیدات جدی علیه آمریکا کرده بود و در شرایط صلح و امنیت نیازی به اختراع و تولید عمده چنین سلاح‌هایی نمی‌دید. از طرف دیگر، حکومت آمریکا هم به همین ترتیب عمل می‌کرد و در

مواقع غیرلزوم مخترعان را برای ساخت سلاح‌های مرگبار تحت فشار نگذاشته بود (همان). اما در سال‌های جنگ جهانی اول اوضاع تغییر کرد. می‌دانیم که در سال‌های نخست جنگ، آمریکا از درگیر شدن در آن اجتناب می‌کرد اما در آخرین سال جنگ که بحث منافع آمریکا مطرح بود و مداخله این کشور اجتناب‌ناپذیر شد، اختراعات بی‌سابقه‌ای ظهور کرد (استادوخ، ۱۳۳۵ق، ک ۲۲، پ ۳؛ چهره‌نما، ۱۳۳۵ق، س ۱۴، ش ۴۵: ۱۰).

همان‌گونه که اشاره شد با ورود آمریکا به جنگ جهانی اختراعات این کشور در زمینه تسلیحات نظامی متنوع‌تر، ترسناک‌تر و زیادتر شد، یکی از چنین اختراعاتی، اختراع گازهای سمی بود. مهم‌ترین گازی که امروز شناخته می‌شود گازی است که پروفسور به نام لی لویست آمریکایی در اواخر جنگ بین‌المللی کشف کرده و به «گاز لویست» موسوم است. گاز مزبور در کارخانه‌ای در «ایالت کلولاند» تهیه می‌شد. قدرت این گاز خفه‌کننده از دیگر گازهای کشف‌شده آن زمان ۷۰ بار بیشتر بود و بنا به نوشته مجله بهار در موقع جنگ شش «بمب لویزیت» برای نابودی کل ساکنان لندن، برلن و پاریس کفایت خواهد کرد (بهار، ۱۳۴۰ق، س ۲، ش ۵: ۳۱۳). آخرین اختراع مهم آمریکایی‌ها در این زمان بمب‌های فرفری بود که پس از رسیدن به هدف در نتیجه خروج فوسفور موجود در آن و مجاورت با هوا، انفجاری وحشتناک ایجاد می‌شد (فرنگستان، ۱۹۲۴م، س ۱، ش ۲: ۸۰).

نکته‌ای که بسیار جالب توجه است نگاه مطبوعات این دوره به تفاوت کیفی قدرت نظامی آمریکا با قدرت‌های اروپایی بود؛ برای نمونه روزنامه اختر نوشته بود «با اینکه دولت آمریکا امروزه در هر خصوص از سایر دولت‌ها اقتدار بیشتری دارد از نقطه عدل و انصاف تجاوز ننموده از رعایت حال بنی نوع به هیچ‌وجه فروگذاری نکرده و نمی‌کند. ولی در کمال تأسف می‌بینیم که سایر دولت‌های اروپایی هر روز در صدد تعدی به خاک و حقوق همسایگان بوده ... و هر روز برای کشتن آنان اسلحه تازه اختراع می‌کنند...» (اختر، ۱۳۰۵ق، س ۱۴، ش ۴۱: ۴۲۰۶). با توجه به مطالب روزنامه اختر و اطلاع که در بالا به برخی از آنها اشاره شد باید اذعان داشت از نگاه این نشریات و در بحث از توانایی‌های نظامی آمریکا، صرفاً قدرت نظامی ملاک نبود بلکه نوعی اخلاق و عهد نیز مد نظر بود که حساب این کشور را از قدرت‌های اروپایی جدا می‌کرد.

علاوه بر آنچه گفته شد، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های آمریکا در توسعه تسلیحاتی، منافع مالی حاصل از فروش این تسلیحات به کشورهای دیگر بود. روزنامه چهره‌نما در تیتیری با عنوان «چه مقدار پول اروپا به آمریکا می‌رود» به این موضوع پرداخته و به اهمیت و نقش

آلات و ادوات جنگی آمریکا در اقتصاد این کشور اشاره می‌کند (چهره‌نما، ۱۳۳۳ق، س ۱۲: ۱۳) که بررسی بیشتر آن خارج از حیطه مقاله حاضر است.

وضعیت قشون در آمریکا از نگاه مطبوعات

آمریکا تا مدت‌ها در امور نظامی یک قدرت معمولی به حساب می‌آمد به‌طور که تا سال ۱۲۷۰ق/۱۸۵۴م شمار کل قشون این کشور حدود ۱۰ هزار نفر بود که اکثر آنان در بخش‌هایی چون محافظت از حصارها و قلعه‌ها خدمت می‌کردند. در این سال مبالغی برای افزایش شمار قوا و کشتی‌های جنگی خود اختصاص دادند (وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۰ق، ش ۱۶۲: ۱۰۴۰). اما به‌رغم این اقدام، قشون نظامی آمریکا همچنان ناچیز بود، آن‌چنان‌که روزنامه علمی در ۱۲۹۴ق آن را بسیار کم و بین ۲۰ تا ۲۴ فوج می‌داند. این روزنامه هزینه‌های سرسام‌آور جنگ بین ایالات شمال و جنوب آمریکا و مقروض شدن دولت را از عوامل عدم توسعه قشون می‌داند (علمی، ۱۲۹۴ق، ش ۲۴: ۲). یکی دیگر از دلایل محدود بودن قشون آمریکا را هم باید در داوطلبی بودن آن و عدم نظام خدمت اجباری دانست. هرچند وقتی جنگی رخ می‌داد کل مردم آن کشور از ۱۸ تا ۴۵ ساله موظف به خدمت می‌شدند (اختر، ۱۲۹۲ق، ش ۴۹: ۱۹۵؛ اطلاع، ۱۳۰۲ق، ش ۱۵۵). در اواخر قرن نوزدهم، یعنی در سال ۱۳۱۳ق مجلس سنای آمریکا مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار را برای تجهیز تسلیحاتی قشون اختصاص داد (ناصری، ۱۳۱۳ق، س ۲، ش ۲۱: ۲۶۴). همچنین در این سال مقرر شد شمار قوای نظامی این کشور به ۶۱ هزار نفر برسد و حقوق سرباز آمریکایی به ماهانه ۱۶ تومان تغییر کند (ناصری، ۱۳۱۶ق، س ۵، ش ۲۱: ۳). این روند ادامه داشت تا اینکه در قرن بیستم توجه آمریکا به امور نظامی افزایش چشمگیری یافت به‌طوری‌که بودجه نظامی این کشور در سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق برای مواقع صلح به ۳۳ میلیون لیره افزایش یافت. در این زمان قوای نظامی آمریکا به ۹۲ هزار نفر و تعداد توپ‌ها به ۲۱۶ عراده رسیده بود (ایران نو، ۱۳۲۹ق، ش ۸: ۲). «معین‌السلطنه» که در همین زمان، یعنی دهه آخر قرن نوزدهم از آمریکا دیدن کرده بود به امکانات نظامی آمریکا اشاره‌هایی کرده است و به‌طور کلی روند روبه رشد امور نظامی آمریکا را نشان می‌دهد (معین‌السلطنه، ۱۳۶۳: ۳۳۴-۳۳۲).

همان‌گونه که مشاهده شد مطبوعات و روشنفکران دوره قاجاریه به دقت وضعیت قشون و به‌طور کلی تحولات نظامی آمریکا را رصد می‌کردند، به انتقاد از سیستم نظامی ایران و ارائه راهکار می‌پرداختند برای نمونه ایران نو در سال ۱۳۲۷ق نوشت: «اگر ما ایران را

می‌خواهیم باید قشونی مرتب داشته باشیم و حداقل نصف مالیات ایران را صرف قشون کنیم. تا به امروز بودجه قشون و جنگ صرف خوشگذرانی عده‌ای نالایق شده است». این در حالی است که تنها مخارج دریایی آمریکا ۲۸ میلیون و ۷۷۸ هزار و ۷۷۷ لیره است (ایران نو، ۱۳۲۷ق، ش ۱۷: ۴). طالبوف هم ضمن تأیید ناکارآمدی وزارت جنگ، آن را مضحکه می‌دانست و در این خصوص نوشت: «وزارت جنگ چیزی جز یک عده تاین بی پاپوش، توپ‌های میرزا آقاسی، و سرتیپان بی‌فوج نیست. در واقع تبعه هر ساله مبالغی کلی برای ارتش پول می‌دهد ولی پول سربسته به کیسه دیگران می‌رود و سرباز گرسنه و بی‌لباس و اسلحه می‌ماند». طالبوف بی‌سواد و خرافاتی بودن را از دیگر ویژگی‌های رجال نظامی ایران می‌داند و می‌نویسد: «چون در شورای وزیران می‌خواستند راجع به چگونگی مذاکره با دولت انگلستان در مورد هرات مشورت کنند یکی می‌گفت: میرزا حسن گوهری بیاید دعای زبان بندی ملکه انگلیس را بنویسد از کار حسب المالول بگذرد» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۱۳). از این گونه انتقادات به سیستم نظامی ایران زیاد بود اما ایران نو بعد از این انتقادات به ارائه راهکار در جهت حل این معضل می‌پردازد و می‌نویسد: برای سازماندهی قشون بایستی دایره معارف جنگ را تأسیس نمود و وزارت جنگ باید مدارس افتتاح کند زیرا «قدرت و عظمت و آبرومندی تمام دول امروز بسته به قوت حربه آنها است... اگر هر کدام از ما ایرانی‌ها سالیانه پنج قران به قشون اختصاص دهیم با جمع این مبلغ می‌توان ۱۰۰ هزار سرباز قشونی نگه‌داری کرد». بعد از ارائه این راهکار ضمن تمجید از پیشرفت آمریکا در حوزه نظامی می‌نویسد: آمریکا یک پنجم در آمد مالیاتی خود به مبلغ ۱۱۶ میلیون به قشون اختصاص داده است و با آن توانسته است ۹ میلیون قشون ایجاد کند (ایران نو، ۱۳۲۷ق، ش ۱۷: ۴). مشاهده می‌شود که تحولات قشونی در آمریکا مورد توجه ایرانیان قرار گرفته بود و آنان با تأسی جستن از آن کشور در اندیشه سازماندهی قشون خود برآمدند. نتایج حاصل از این رویکرد عبارت بودند از استخدام مستشاران نظامی از آمریکا، اعزام محصل به آن کشور برای فراگیری دانش نظامی و تلاش برای خرید تسلیحات نظامی آمریکا، که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

پیامدهای آگاهی ایرانیان از تسلیحات نظامی آمریکا

الف: استخدام مستشار نظامی از آمریکا

پیشرفت‌ها چشمگیر آمریکا در حوزه نظامی سبب شد که مقامات ایرانی به اهمیت استفاده از این کشور به‌عنوان نیروی سوم پی ببرند. در حقیقت استفاده از قدرت سوم نیز غالباً به‌منظور کاهش و تعدیل سلطه سیاسی و اقتصادی روسیه و انگلیس صورت می‌گرفت. در این راستا ناصرالدین‌شاه در ۱۸۸۹م/ ۱۳۱۷ق در زمان ریاست جمهوری «استیفن گروور کلیولند»^۱ اعلام کرد: «ما می‌خواهیم روابطمان را با شما برای حفظ و بقا کشورمان از هرگونه تجاوز همسایگان تقویت کنیم» (فرمانفرم‌نایان، ۱۳۵۵: ۴۳). البته چنین گرایشاتی نیز با واکنش‌های تند روسیه و انگلستان مواجه شد اما با این وجود بسیاری از سیاستمداران ایرانی تا پایان دوره قاجاریه در تکاپو برای جذب آمریکا به‌عنوان نیروی سوم بودند.

در این راستا باید اذعان داشت که به دنبال اولتیماتوم روس‌ها به ایران مبنی بر خروج شوستر از کشور و همچنین یاغیگری‌های «ابوالفتح میرزا سالارالدوله» بسیاری از سیاستمداران پیش از پیش به ضعف قوه نظامی و عدم توانایی در مقابله با زورگویی‌های روسیه پی بردند این امر سبب روی آوردن مجدد به آمریکا به‌عنوان نیروی سوم این بار در حوزه نظامی شد و به دنبال آن اندیشه کمک گرفتن از آن کشور برای سازماندهی توانایی نظامی و دفاعی ایران در اذهان دولتمردان شکل گرفت. در حقیقت این عقیده مطرح شد که اگر ایران از یک نیروی نظامی منظم برخوردار بود که بتواند امنیت را در سراسر کشور برقرار نماید، روسیه نمی‌توانست به بهانه حفظ جان و مال اتباع خود نیروی نظامی وارد ایران کند و کشور را اشغال نماید. در این راستا علیقلی خان نبیل‌الدوله در ۲۲ ذی‌القعدة ۱۳۲۹ق در گزارشی به انتقاد از ناتوانی دولت و سبک‌سری‌های قوای دولتی در مقابله با مرتجعینی همچون سالارالدوله که مخالف شوستر بود پرداخت و نوشت «با همه رشادتی که ملت ایران در ۶ سال اخیر نمودند چرا باید اوضاع به گونه‌ای پیش برود که روسیه به ایران اولتیماتومی بدهد و سواره‌نظام انگلیس به جنوب وارد شود و بحران در کابینه پیش آید؟ چرا اقدامی برای جلوگیری از حرکتی از قبیل سالارالدوله و طرفداران شاه مخلوع، سریع‌تر انجام نشد؟...». علیقلی خان در ادامه نامه‌اش توصیه می‌کند باید تقویت استعداد نظامی کشور در دستور کار قرار گیرد. او در ادامه تأکید می‌کند که «لازم است برای امور معارف و مسائل نظامی کشور

1. Stephen Grover Cleveland

از آمریکا مستشار استخدام شود تا اساس و پایه صحیح و محکمی برای تربیت عمومی یک نیروی ۲۵ هزار نفری ایرانی و تأسیس مکاتب و تهیه و رفورم قشون بگذارند» (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۲۳، پ ۸: ۷۰). در واقع علیقلی خان بر این باور بود که اگر قشون نظامی تحت نظر مستشاران آمریکایی‌ها در ایالات ایران تربیت شود دیگر کشورهای متجاوز به خود اجازه نمی‌دهند به راحتی نیروهای نظامی خود را وارد مملکت کنند.

نقطه نظرات علیقلی خان مبنی بر ضرورت استخدام مستشار نظامی از آمریکا که در واقع بازتابی از تداوم ملاحظه آمریکا به عنوان نیروی سوم میان ایرانیان بود، به زودی عینیت یافت و دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۱ق به استخدام صاحب‌منصبی آمریکایی برای آموزش قشون ایران انجامید و قراردادی میان «مشاورالممالک»، معاون و کفیل وزارت امور خارجه، به نمایندگی از دولت ایران از یک طرف و کلنل مریل^۱ آمریکایی از طرف دیگر در ۱۴ ماده بسته شد. طبق این قرارداد مدت استخدام مسیو مریل سه سال متوالی بود و وی متعهد می‌شد که به عنوان صاحب‌منصب معلم قشون ایران، تحت اوامر وزارت جنگ به خدمت در ایران بپردازد (استادوخ، ۱۳۳۱ق، ک ۴۵، پ ۱۶: ۲۴-۱۸). بنابراین استخدام صاحب‌منصبانی از این کشور برای قشون ایران مورد توجه دولتمردان قرار گرفت.

ب: اعزام محصل برای فراگیری دانش نظامی

یکی دیگر از نتایج بررسی تحولات نظامی آمریکا فرستادن محصل برای فراگیری دانش نظامی به این کشور بود. در این راستا نمایندگان سیاسی ایران که از نزدیک شاهد ترقی آمریکا در حوزه نظامی بودند؛ خواستار اعزام هر چه سریع‌تر برخی از محصلان ایرانی به مدارس نظامی آمریکا و دایر کردن مدارس به سبک نظام آموزشی این کشور در ولایات ایران شدند. بلاخره این امر در ۱۳۳۰ق محقق شد در این سال برای نخستین بار یکی از دانشگاه‌های آمریکا به نام دلپارائیزو^۲ در واشنگتن در نامه‌ای به وزارت معارف از اعزام دانشجویان ایرانی به آن دانشگاه استقبال کرد. (ساکما، ۲۹۷/۲۸۲۱۰) علیقلی خان در خصوص این مدرسه می‌نویسد: مدرسه والپارزو در نزدیکی شیکاگو واقع است و بیش از پنج هزار شاگرد دارد؛ و «ترتیب این مدرسه به نوعی است که شاگرد ابداً چاره جز تحصیل دائمی ندارد.» (استادوخ، ۱۳۳۰ق، ک ۳۷، پ ۲۰: ۱۳، ۱۲) البته علاوه بر نمایندگان سیاسی

1. Colonel Merrill

2. dalparaise

نشریات هم از وجود مدارس نظامی در آمریکا و حتی تحصیل محصلین دختر در این گونه مدارس خیر می دهند و می نویسند: زنان آمریکا در عرصه نظامی و فنی همتراز مردان شده اند و درست به مانند آنان موفق به دریافت مدارک عالی شده و می توانند مقامات و مناصب بزرگی را کسب کنند. (حکمت، ۱۳۱۷ق، ش ۱۳، ص ۱۴)

به دنبال این گزارش ها وزارت خارجه در سال ۱۳۳۰ق چند نفر از محصلین خود را برای تحصیل در مدارس نظامی به آمریکا فرستاد. یکی از این محصلان «میرزا محمدعلی خان بمپوری» نام داشت. (استادوخ، ۱۳۳۰ق، ک ۳۷، پ ۲۰: ۱۶-۱۴) وی نایب اول ژاندارمری بود که وارد مدرسه نظامی وست پانیت^۱ در نیویورک شد. علیقلی خان نبیل الدوله در گزارش خود می نویسد: «این جوان بعد از تحصیل در این مدرسه نظامی خدمات بزرگ و انواع فداکاری نسبت به دولت و ملت خود ابراز خواهد کرد» (استادوخ، ۱۳۳۰ق، ک ۳۷، پ ۲۰: ۳). «میرزا سید حسین» مترجم نظام یکی دیگر از محصلان ایرانی بود که به کمک علیقلی خان توانست وارد مدرسه نظامی «والپارزو» آمریکا شود (استادوخ، ۱۳۳۰ق، ک ۳۷، پ ۲۰: ۱۳، ۱۲). بدین ترتیب محصلان ایرانی برای فراگیری دانش های نوین به مدت سه سال در مدارس نظامی آمریکا به تدریس مشغول می شدند.

حسین علایی وزیرمختار ایران در واشنگتن از دیگر دیپلمات های بود که نقش مهمی در فراهم آوردن زمینه های تحصیل ایرانیان در رشته ها گوناگون به ویژه عرصه نظامی ایفا کرد. وی در گزارشی به وزارت معارف به توصیف یکی از بهترین مدرسه های نظامی این کشور به نام «استات میلیتاری آکادمی» پرداخته و خاطر نشان می سازد از هر مملکتی دو نفر شاگرد به صورت مجانی در این مدرسه آموزش می بینند، دولت ایران هم باید از این موقعیت به خوبی استفاده کند زیرا این مدرسه در زمره بهترین مدارس نظامی عالم است (استادوخ، ۱۳۰۲ش، ک ۳۳، پ ۹، ش ۳۰).

از نگاه علایی، آمریکا بیش از هر کشور دیگری به آموزش توجه می کند به همین دلیل جوانان ایرانی باید از این فرصت استفاده کنند (ساکما: ۲۹۳/۵۴۲۳). سرانجام به دنبال پیگیری ها علایی؛ وزرات جنگ دو نفر دیگر به اسامی «حسن خان صارم» و «نصرت الله خان» را برای تحصیل در مدرسه نظامی وست پوینت معرفی و به این کشور فرستاد (استادوخ، ۱۳۰۳ش، ک ۳۳، پ ۱۰: ۲۴). هدف از فرستادن این محصلین به مدارس آمریکایی این بود

1. West Panit

که بعد از کسب دانش در این عرصه به ایران برگردند و با دانش خود منبع تحولی عظیم در جامعه شوند. بررسی منابع این دوره نشان داد که مناسبات علمی و آموزشی ایران و آمریکا در حوزه مهندسی و علوم نظامی در آخرین سال‌های حکومت قاجاریه رو به ترقی گذاشته بود.

پ: تمایل ایران به خرید تسلیحات نظامی آمریکا

با توجه به آنچه به نقل از مطبوعات قاجاریه از پیشرفت‌های تسلیحاتی آمریکا گفته شد، تعجبی نداشت که توجه حکومت قاجاریه به این پیشرفت‌ها جلب شود و درصدد دستیابی به تسلیحات آمریکایی برآیند.

حسینقلی‌خان نخستین کسی بود که تلاش کرد که ایرانیان معاملاتی با آمریکا در خصوص خرید تسلیحات نظامی انجام دهند. او در گزارشی به وزارت امور خارجه، اطلاعاتی در مورد این تسلیحات و قیمت انواع آنها را ارائه داده بود برای نمونه می‌نویسد: «هر عراده میترالیوز که در هر دقیقه ۸۶ تیر می‌اندازد، هزار و ۱۰۰ دلار قیمت دارد. نیمی از پول را از پیش می‌گیرند و نیمی دیگر را پس از تحویل آنها در بندر بوشهر دریافت می‌دارند». ظاهراً حسینقلی‌خان از طریق دکتر طارنس^۱ درصدد معامله تسلیحاتی با آمریکا بود (استادوخ، ۱۳۰۶ق، ک ۲۰، پ ۳: ۸). از نتیجه این مذاکرات اطلاعی در دست نیست اما به نظر می‌رسد در این دوره تجهیزاتی نظامی از آمریکا خریداری نشده.

در دوران مظفرالدین شاه نیز کماکان گفت‌وگوها و مذاکراتی پیرامون تسلیحات آمریکایی میان طرفین در جریان بود. برای نمونه جان‌تایلر^۲ آمریکایی در نامه‌ای به مظفرالدین‌شاه در خصوص اختراع تفنگ جدید توسط فردی به نام مستر هاپ‌کینی^۳ می‌نویسد و اعلام آمادگی می‌کند هر زمان که شاه ایران بخواهد وی حاضر است به ایران بیاید و به معرفی و شرح تفنگ مزبور و کارکردهای آن بپردازد (استادوخ، ۱۳۲۳ق، ک ۴، پ ۱۴: ۱۶، ۱۳). تلاش‌های کمپانی‌های اسلحه‌سازی آمریکا برای ترغیب ایران به خرید سلاح همچنان ادامه یافت. در اوایل سال‌های جنگ جهانی اول فردی به نام آلان کندیکت^۴ نایب‌رئیس کمپانی دهیو والی اردنانس با وزیرمختار ایران در واشنگتن درخصوص موضوع

1. Dr. Taranes

2. John Tyler

3. Mr. Hopkins

4. Alan Kennedy

تفنگ و فشنگ، توپ شرنیل و خمپاره‌های مختلف و دیگر مهمات جنگی به گفت‌وگو پرداخت. او از طرف کمپانی متبوعش وعده می‌داد یک میلیون «تفنگ موزر» برای ایران تهیه نمایند و از ۱۹۱۶م / ۱۳۳۴ق نیز به آموزش نحوه استفاده از این تفنگ‌ها اقدام کند (استادوخ، ۱۳۳۳ق، ک ۲۱، پ ۱: ۱۰۹). از نتایج این مذاکرات هم اطلاعی در دست نیست.

شاید آخرین تلاش دوران حکومت قاجاریه جهت بهره‌مندی از تسلیحات آمریکایی در سال ۱۳۴۲ق بود. علایی در این سال و در رابطه با مسائلی چون تأسیس سرویس هواپیما، هزینه‌ها و کیفیات آن و همچنین اعزام شاگرد به آمریکا برای تحصیل «آسمان‌پیمایی» و استخدام معلمین آمریکایی برای آموزش «هواپیماییان» در ایران با مستر دالس^۱ مدیر اداره شرق نزدیک در آمریکا وارد گفت‌وگو شد. دالس فهرست ادارات و سازمان‌هایی را که می‌توانستند به نیازهای ایران پاسخ دهند را به علایی داد اما به علایی گفته بود دولت آمریکا فعلاً طیاره برای فروش به دولت‌های خارجی ندارد و چون کنفرانس خلع سلاح در جریان بود تمایلی به گسترش سلاح و آلات جنگی ندارد (استادوخ، ۱۳۰۲ش، ک ۳۶، پ ۱۶: ۲۱). علاوه بر این تحقق انتظارات ایران به دلیل دور بودن ایران و عدم شناخت کامل از مشکلات حمل و نقل کار آسان نبود (استادوخ، ۱۳۰۲ش، ک ۳۶، پ ۱۶: ۲۰-۱۷). در ادامه این تلاش‌ها علایی خواستار اعزام شاگردانی از ایران برای تحصیل در «فن طیاره» به آمریکا شد (استادوخ، ۱۳۰۲ش، ک ۳۶، پ ۱۶: ۱۶) و همان‌گونه که در بالا اشاره شد وزارت جنگ بلافاصله حسن خان صارم و نصرت‌الله‌خان معرفی کرد. روی هم‌رفته با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان گفت به‌رغم اطلاع دولت ایران از برتری‌ها و مزایای تسلیحات آمریکایی آن‌گونه که انتظار می‌رفت به بهره‌مندی از تسلیحات آمریکایی اقدام نکرد و این رویه در سراسر دوره پهلوی اول نیز باقی بود و بعدها در دوره پهلوی دوم بود که چرخشی اساسی صورت گرفت و آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین مرجع نیازهای تسلیحاتی ایران طرف توجه قرار گرفت.

ت: تمایل ایران به خرید کشتی جنگی از آمریکا

همان‌گونه که اشاره شد به دنبال درخشش آمریکا در ساخت کشتی‌سازی و برتری یافتن آنها در این صنعت، کشورهای مختلف جهان علاقمند به بهره‌مندی از پیشرفت‌های آنان شدند (وقایع‌اتفاقیه، ۱۲۷۴ق، ش ۳۸۶: ۲۶۰۱؛ اختر، ۱۲۹۵ق، ش ۲۳: ۱۸۳). در همین راستا ایران هم

1. Mr. Dulles

همچون دیگر کشورها به بهره‌برداری از تکنولوژی کشتی‌سازی آمریکا علاقه‌مند و درصدد خرید کشتی از آن کشور برآمد.

وزارت امور خارجه ایران در نامه‌ای به «میرزا احمدخان» کارگزار ایران در اسلامبول در دستورالعملی درخصوص خرید کشتی از آمریکا در محرم ۱۲۷۱ق نوشت که دولت ایران به چهار فروند کشتی جنگی آمریکایی نیاز دارد. لازم به ذکر است که ایرانیان این کشتی‌ها را با کاپیتان، ناخدا و سایر عمله و اسباب می‌خواستند (موجانی، ۱۳۷۵: ۲۹). از اینکه کارگزار ایران در اسلامبول در این خصوص چه اقداماتی کرد و چه نتایجی به‌دست آورد اطلاع دقیقی در دست نیست.

اقدام بعدی دولت ایران در تلاش برای خرید کشتی از آمریکا در سال ۱۳۲۲ق بود. طبق گزارش «اسحق خان مفخم‌الدوله»، کنسول ایران در آمریکا، «مسیو لویی نیکسون» مالک بهترین کارخانه کشتی‌سازی آمریکا به شاه توصیه می‌کرد پنج فروند کشتی تورپیلو را از آن شرکت خریداری کند. اگرچه کنسول ایران در این رابطه در ترغیب دولت ایران برای پذیرش درخواست نیکسون تلاش زیادی کرد اما این بار هم ظاهراً قضیه به نتیجه‌ای ختم نشد (استادوخ، ۱۳۲۲ق، ک ۹، پ ۵: ۵۶). بنابراین علی‌رغم تلاش دیپلمات‌ها ایرانیان تا پایان دوره قاجاریه موفق به خرید کشتی از آمریکا نشدند.

نتیجه

در مقاله حاضر جوانب مختلف سیاست‌های نظامی و تسلیحاتی حکومت آمریکا از نگاه ایرانیان دوره قاجاریه موردبررسی قرار گرفت. مشاهده شد که نخستین آگاهی‌های ایرانیان از آمریکا در عرصه نظامی از طریق مطبوعات صورت گرفت اما واقعیت این است تا قبل از پیروزی مشروطه اطلاعات دقیق و جامعی از این موضوع وجود نداشت؛ بنابراین از این سال‌ها به بعد تصور ایرانیان از سیستم نظامی آمریکا دچار تحول اساسی شد. نویسندگان در گزارش‌ها و مقالات خود ضمن بازتاب و ستایش پیشرفت‌های این کشور بیش از پیش متوجه ضعف و قوت‌ها ایران در عرصه نظامی شده و به‌صراحت به انتقاد از حکومت قاجاریه می‌پرداختند. آنها همچنین نگاه خوش‌بینانه‌ای به فن‌آوری‌های نوین آمریکایی‌ها برخلاف کشورهای اروپایی داشتند و به مقایسه کیفی میان رویکردهای آنها به تسلیحات نظامی می‌پرداختند.

علاوه بر مطبوعات که از دهه‌ها قبل تحولات آمریکا در عرصه نظامی و تحول قشون را رصد می‌کردند، نمایندگان سیاسی ایران در واشنگتن نقش بی‌بدیلی در شناخت دقیق‌تر و دستاوردهای حاصل از آن برای ایران ایفا کردند. آنها با اقدامات و تلاش‌های خود زمینه ورود محصلین ایرانی برای تحصیل علوم نظامی را فراهم آوردند، علاوه بر این دولتمردان قاجاریه را متقاعد کردند که ضمن ورود مستشار نظامی از این کشور به ایران مقدمات خرید تسلیحات نظامی از آمریکا اعم از خرید کشتی جنگی، هواپیما، توپ، تفنگ و... را فراهم کنند. بدین ترتیب در پایان دوره قاجاریه گروهی از محصلین ایرانی برای فراگیری علوم نظامی به آمریکا رفتند و مستشار نظامی هم بعد از اولتیماتوم روسیه به ایران استخدام کردند؛ اما در خصوص خرید تسلیحات نظامی به نظر می‌رسد تلاش‌ها بدون نتیجه باقی ماند و ایرانیان تا اواخر دوره قاجاریه موفق به خرید تسلیحات نظامی از آمریکا نشدند. روی هم رفته باید گفت در اواخر دوره قاجاریه کمتر دولتمردی بود که از لزوم دگرگونی تشکیلات نظامی بی‌خبر مانده بوده باشد. در این دوره مطبوعات، متجددین، نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا و سفرنامه‌نویسان یک‌صدا به این نتیجه رسیده بودند که بایستی تحولات آمریکا را سرمشق قرار داد و قوای نظامی ایجاد کرد و آنان را با پیشرفته‌ترین تسلیحات مجهز گرداند.

فهرست منابع و مآخذ:

الف. کتب و مقالات

- ارفع الدوله، پرنس (۱۳۷۸). خاطرات پرنس ارفع الدوله، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر شهاب ناقب با همکاری انتشارات سخن.
- صحاف‌باشی تهرانی، ابراهیم (۱۳۵۷). سفرنامه، به کوشش محمد مشیری، چاپ اول، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶). مسالک المحسنین، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- فرمانفرمائی، حافظ (۱۳۵۵). تحلیل تاریخی سیاست خارجی ایران از آغاز تا امروز، ترجمه اسماعیل شاکری، تهران: انتشارات مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- معین السلطنه، حاج میرزا محمدعلی (۱۳۶۳). سفرنامه شیکاگو، به کوشش همایون شهیدی، چاپ اول، تهران: علمی.
- موجانی، علی (۱۳۷۵). گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا، تهران: وزارت امور خارجه.

ب. روزنامه‌ها و مجلات

- روزنامه اختر (۱۲۹۲ق)، شماره ۴۹.
- روزنامه اختر (۱۲۹۵ق)، شماره ۲۳.
- روزنامه اختر (۱۲۹۶ق)، سال ۵، شماره ۱۲.
- روزنامه اختر (۱۳۰۴ق)، سال ۱۳، شماره ۲۲.
- روزنامه اختر (۱۳۰۴ق)، سال ۱۳، شماره ۴۸.
- روزنامه اختر (۱۳۰۵ق)، سال ۱۴، شماره ۴۱.
- روزنامه اختر (۱۳۰۹ق)، سال ۱۸، شماره ۳۰.
- روزنامه اختر (۱۳۰۹ق)، سال ۱۸، شماره ۳۲.
- روزنامه اختر (۱۳۱۰ق)، سال ۱۹، شماره ۱۳.
- روزنامه اختر (۱۳۱۱ق)، سال ۲۰، شماره ۱.
- روزنامه اختر (۱۳۱۱ق)، سال ۲۰، شماره ۱۸.
- روزنامه اختر (۱۳۱۱ق)، سال ۲۰، شماره ۲.
- روزنامه اختر (۱۳۱۳ق)، سال ۲۲، شماره ۲۴.
- روزنامه اختر (۱۳۱۳ق)، سال ۲۲، شماره ۶.
- روزنامه اطلاع (۱۳۰۲ق)، شماره ۱۵۵.
- روزنامه اطلاع (۱۳۰۷ق)، شماره ۲۴۱.
- روزنامه اطلاع (۱۳۱۸ق)، شماره ۱۷.
- روزنامه اطلاع (۱۳۱۹ق)، شماره ۵۶۴.
- روزنامه اطلاع (۱۳۲۰ق)، شماره ۵۸۳.
- روزنامه اطلاع (۱۳۲۰ق)، شماره ۵۹۰.
- روزنامه ایران (۱۲۹۵ق)، شماره ۳۵۲.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۷ق)، شماره ۱۷.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۹ق)، شماره ۸.
- روزنامه تربیت (۱۳۲۳ق)، شماره ۳۶۰.
- روزنامه ثریا (۱۳۱۸ق)، سال ۲، شماره ۳۵.

- روزنامه ثریا (۱۳۲۱ق)، سال ۵، شماره ۲.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۳۰ق)، سال ۹، شماره ۵.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۳۳ق)، سال ۱۲، شماره ۷.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۳۵ق)، سال ۱۴، شماره ۴۵.
- روزنامه حکمت (۱۳۱۷ق)، شماره ۱۳.
- روزنامه حکمت (۱۳۲۲ق)، شماره ۸۳۸.
- روزنامه حکمت (۱۳۲۷ق)، شماره ۹۴۱.
- روزنامه علمی (۱۲۹۴ق)، شماره ۲۴.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۹ق)، شماره ۴۲.
- روزنامه ناصری (۱۳۱۳ق)، سال ۲، شماره ۲۱.
- روزنامه ناصری (۱۳۱۳ق)، شماره ۲۷.
- روزنامه ناصری (۱۳۱۶ق)، سال ۵، شماره ۲۱.
- روزنامه ناصری (۱۳۱۷ق)، سال ۶، شماره ۱۹.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۶۸ق)، شماره ۷۱.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۷۰ق)، شماره ۱۵۶.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۷۴ق)، شماره ۳۸۶.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۷۰ق)، شماره ۱۶۲.
- مجله بهار (۱۳۴۰ق)، سال ۲، شماره ۵.
- مجله فرنگستان (۱۹۲۴م)، سال ۱، شماره ۲.

ج. اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷/۲۸۲۱۰.
- _____، ۲۹۳/۵۴۲۳.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۰، پوشه ۳.
- _____، ۱۳۲۴ق، کارتن ۹، پوشه ۷.
- _____، ۱۳۲۸ق، کارتن ۲۰، پوشه ۳.

- _____، ۱۳۲۹ق، کارت‌ن: ۲۳، پوشه ۸.
- _____، ۱۳۳۱ق، کارت‌ن: ۴۵، پوشه ۱۶.
- _____، ۱۳۳۰ق، کارت‌ن: ۳۷، پوشه ۲۰.
- _____، ۱۳۳۵ق، کارت‌ن: ۲۲، پوشه ۳.
- _____، ۱۳۰۲ش، کارت‌ن: ۳۳، پوشه ۹.
- _____، ۱۳۰۳ش، کارت‌ن: ۳۳، پوشه ۱۰.
- _____، ۱۳۰۶ق، کارت‌ن: ۲۰، پوشه ۳.
- _____، ۱۳۲۳ق، کارت‌ن: ۴، پوشه ۱۴.
- _____، ۱۳۳۳ق، کارت‌ن: ۲۱، پوشه ۱.
- _____، ۱۳۰۲ق، کارت‌ن: ۳۶، پوشه ۱۶.
- _____، ۱۳۲۲ق، کارت‌ن: ۹، پوشه ۵.

THE HISTORICAL STUDY OF WAR
Scientific Journal, Scientific Research Article
Vol. 5, Issue 4, No.18, winter2022

Iranians' First Acquaintance of US Military Weapons during the Qajar Period and Its Achievements

*Fereshteh Jahani**

Abstract

One of the topics that increasingly draw the attention of rulers and modernists during the Qajar period and after the defeats of Iran by Russia concerned the military and weapons. During this period, they came to the conclusion that in order to compensate for Iran's backwardness, Western scientific and technological advances must be achieved. One of the countries that received special attention after the Constitution was the United States. The present descriptive-analytical study by relying on the press and unpublished documents, sought to shed light on the tools and elements through which the Iranians become acquainted with US military weapons, and the effect this knowledge had on the Iranian military arena. The findings of the study indicate that the Iranian press and political representatives in Washington at that time reported extensively on the country's armed and military achievements and developments, convincing many Iranian politicians and modernists that the United States was the right model for Iran to consider and, and to prefer this country to other European countries to buy military weapons, recruitment of specialists and advisers, and sending students to study in military fields.

Keywords: America, progressives, military arms, diplomats, advisors, Qajar press, students.

* PhD in Post-Islam History of Iran, and visiting lecturer at Ilam University, fereshtejahani65@gmail.com

[Received: 21 October 2021; Accepted: 1 April 2022] DOI:10.29252/HSOW.5.4.75|